

صنعة عشق

سید علی رضوی

سرشناسه	: رضوی شیرازی، سیدعلی اصغر، ۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: صحنه عشق / سیدعلی رضوی.
مشخصات نشر	: تهران : پارس کتاب ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-6028-14-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR ۸۳۴۵ ۱۳۹۷ ۳ ص ۸۷ /
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۲۳۱۳۲



پارس کتاب

صحنه عشق

نوشته: سید علی اصغر رضوی شیرازی

صفحه آرای: جهانتاب

چاپ و صحافی: مهرگان

نوبت چاپ: اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۳۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۸-۱۴-۱

نشانی: تهران - خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ وحید نظری، پلاک ۱۰۵، واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۶۳۱۳۲ نمابر: ۶۶۹۶۰۸۳۳

E: info@parsketab.org - www.parsketab.org

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	برای دراز دروازه

مثنوی

۱۵	نیایش
۲۵	عزیزم سلام
۲۹	خاکستر نشین
۳۲	التماس
۳۵	صحنه عشق
۴۱	کاش
۴۴	بغض من
۴۷	ساقی تشنه لب
۴۹	یار وفادار
۵۱	برای کودکان غره
۵۳	حسرت
۵۷	حیف
۶۰	خوشی
۶۱	دلواپسی
۶۲	تمهوت
۶۴	ضامن آهو
۶۶	ضربت
۶۷	عید فطر
۶۹	فرصت
۷۳	نبیة القدر
۷۵	صدرا گل بابا

غزل

- ۷۹ گند
۸۱ شاهد
۸۳ رنجیده
۸۵ در طلب
۸۷ بیجا کردی
۸۹ تو

دو بیتی

- ۹۳ یاد علی
۹۴ در مدح امام مجتبی (ع)
۹۵ موخره



سپاس و سلام به حضرت عشق و سکر طاف بی کرانش که بی پایان است و برجسته، که اطمینان امروز و امید به فردا را چنان جفت می‌بندد که گمانم عمرمان به درازاست و حکومتمان به سلیمان.

با باغبان به باغ‌های سرمست از طراوت و شادان ورود آدمی را با دلی عاشق و حالی خمار به صحنه عشق آمدم تا ببازم آنچه را که لایق است که عمر من به کمی از دقایق منظور.

ته‌بیاله چهل سالگی را سرشتم که از صحتش مردد و بر ادامه‌اش مصمم. حرف خانگی است، در تلاش است که حرفی بگوید یا نگوید، بنماید. از خودم تصویر می‌کشم. امید است که مقبول باشد و مطلوب، بشود به زبان هم بخوانیم، بشنویم و حس کنیم که به یک صحنه درآیم. بی‌تردید بر نقص‌هایم گواهم و بر مدد عیار

امیدوار، پس چونان قبل از حسن ظنتان ممنون و سپاسگذار.

صحنه عشق مجموعه‌ای است از آثار، که سهم غالبش از سال چهل اهتمام گردیده. هرچند که میل طبع باغبان ۲ در من بسیار بود اما ضرورت به اینجا کشاند. پس در این مجال منتظر نظرات شما سروران به جریانی آشنا به ادرس alirazavi1387@gmail.com هستم، لازم می‌دانم در آخر از همه کسانی که مرا صحنه عشق رساندند کمال سپاس و احترام خود را با تمام ذرات وجودم ابلاغ و برایشان دوام و مرام بیشتر از پیش بخواهم، از حاضرانی که غایبند و غایبی که همیشه حاضرند است. قلا و تمنا می‌کنم که باشم تا بتوانم در دفتری دیگر برایتان حرف‌های خانگی بزنم. خوش اندیشه‌ای است اگر برآید. استاد خاطره داریم، در خاطراتان سهمی از من، که جای لرزیدن دلها باشد، بین خواستن یک دم برای همدم، به اندازه چند نقطه چین هم شد. خاطره‌ای بگذارید. ممنونم از دستان و نگاهتان.